

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگردان نامه نوشته‌های امین خولی

(برگردان مقاله: «التفسير دائرة المعارف الإسلامية» یا کتاب های «التفسير :

نشأته ، تدرُّجه ، تطوُّره» یا «التفسير: معالم حياته، منهجُه اليوم»)

برگردان کننده:

دکتر ابراهیم اقبال (دانشیار دانشگاه تهران)

سرشناسه	:	اقبال، ابراهیم، ۱۳۴۰ -
عنوان قراردادی	:	التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم، فارسی، شرح
عنوان و نام پندآور	:	برگردان نامه نوشته‌های امین خولی: برگردان مقاله «التفسیر دائرة المعارف الإسلامیة: یا کتاب‌های» التفسیر: نشأته، تدزّجّه، تطوّره» یا التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم/برگردان کننده ابراهیم اقبال.
مشخصات نشر	:	تهران: مکی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	ص: ۹۵؛ ۵/۲۱۰۵/۱۴ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۷۹۰۱-۹-۹-۴۱۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص: ۹۶-۹۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	:	برگردان مقاله «التفسیر دائرة المعارف الإسلامیة: یا کتاب‌های» التفسیر: نشأته، تدزّجّه، تطوّره» یا التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم.
موضوع	:	خولی، امین، ۱۸۹۵ - ۱۹۶۶ م. التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم -- نقد و تفسیر
موضوع	:	Khuli, Amin . Tafsir (Qur'anic Exegesis) -- Criticism and interpretation
موضوع	:	تفسیر -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Qur'an -- Commentaries -- History and criticism
شناسه افزوده	:	خولی، امین، ۱۸۹۵ - ۱۹۶۶ م. التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم. شرح
شناسه افزوده	:	Khuli, Amin . Tafsir (Qur'anic Exegesis) . Commentaries
رده بندی کنگره	:	BP۹۲
رده بندی دیویی	:	۱۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۶۱۶۲۹۴
وضعیت رکورد	:	فیبا



برگردان: دکتر ابراهیم اقبال (دانشیار دانشگاه تهران)

عنوان: برگردان نامه نوشته‌های امین خولی (برگردان مقاله): «التفسیر دائرة المعارف الإسلامیة» یا کتاب

«التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم»

طراح جلد: محمدحسین عبدالغفوری

صفحه آرا: فاطمه عسکریان

چاپ اول: بهار ۱۴۰۰ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد تعداد صفحات: ۹۵ صفحه قطع: رقعی

قیمت: ۱۰۰۰ تومان شابک: ۹-۹-۹۷۹۰۱-۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

تلفن درخواست کتاب: ۰۹۰۱۵۷۵۶۲۲۹

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۵
الف: تفسیر	۱۱
ب: پیدایش تفسیر	۱۳
ج: پیشرفت گام به گام تفسیر	۲۷
ه: روش های تفسیر	۳۴
و: تفسیر علمی	۳۷
ز: انکار تفسیر علمی	۴۳
ح: رنگ های تفسیر	۵۶
ط: چگونگی تفسیر	۶۳
تفسیر در این زمان	۶۵
۱- قرآن بزرگ ترین کتاب عربی	۶۶
۲- اثر ترتیب قرآن در تفسیر	۷۱
۳- شیوه تفسیر ادبی	۷۶
الف: تحقیق پیرامون قرآن	۷۶
تحقیق عام پیرامون قرآن	۷۹
ب: تحقیق در خود قرآن	۸۳
تفسیر روان شناختی	۹۰
تفسیر و جامعه شناسی	۹۲
منابع	۹۴

مقدمه مترجم

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾^۱

با سپاس به درگاه ایزد منان و اظهار مسرت بسیار، در زمستان گذشته (۱۳۹۹) کتاب «نقدنامه‌ای بر امین خولی» به همراه متن اصلی به زیور چاپ و نشر مزین گردید ولی از آن رو که زبان نوشتاری اصلی، عربی است و چه بسا بعضی از علاقه‌مندان قرآن کریم و تاریخ تفسیر، به زبان عربی تسلط کافی نداشته باشند، توفیقی دیگر دست داد تا برگردان آن نوشته‌ها نیز، چاپ و انتشار یابد. در واقع «برگردان نامه» محصول ترجمه‌ای اولیه در دوره دانشجویی دکتری اینجانب (۷۸-۱۳۷۷) بوده است که اینک پس از بازنگری در قالب اثری مستقل نیز در دسترس قرار می‌گیرد.

سال‌ها از هنگام دانشجویی در دوره دکتری دانشگاه تهران، سپری شده است (حدود ۱۳۷۸ش). دو درس «نقد مکاتب و روش‌های تفسیری» در دوره آموزشی تدریس می‌شد، حضرت

۱. اعراف/۴۳؛ سپاس از آن خدایی است که ما را به این رهنمون کرد و اگر راهنمایی او نبود، ما بدان راه نمی‌یافتیم.

استاد سید محمدباقر حجتی (حَفَظَهُ اللهُ) منبع درس را مقاله «التفسیر» امین خولی در «دائرةالمعارف الإسلامیة» قرار داده بود. در واقع آن مقاله، بهانه‌ای بود که جناب استاد افاضاتی داشته باشد. خواندن متن؛ ترجمه و شرح؛ اندکی نقد؛ سخنانی نقض و حتی سفرهای استاد. وه که چه جالب بود... . این دو درس و آن مقاله، در دانشگاه‌های تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی، نیز تدریس می‌شد. در همان زمان، آن مقاله به صورت کتاب و با عنوان «التفسیر: معالم حیات، منهجه الیوم» در قاهره، ۱۹۴۹م و با نام «التفسیر: نشأته، تدرّجُه، تطوره» در بیروت، ۱۹۸۲ به چاپ رسید. درست در همان هنگام، توفیق ترجمه کامل مقاله به فارسی، دست داد. به جناب استاد عرض شد که مقاله «التفسیر»، ترجمه شده و قصد چاپ و نشر آن می‌رود. ایشان روی خوشی نشان نداد و فرمود که متن درس، ترجمه نشود، بهتر است. ولی اینک که حضرت استاد - حفظه الله - چند سالی است، توان تدریس ندارند، جسارت به خرج داده شد و این اقدام عملی گردید.

امر دیگری که بر انتشار ترجمه کمک کرد، تصویب طرحی

پژوهشی کاربردی - قرآنی با عنوان «تحقیق و نقد مقاله التفسیر» در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، در سال ۱۳۹۵ بود. هم اکنون که چند سالی از اجرای عملی طرح، سپری گشته و کتاب نقدنامه [همان طور که اشاره شد] چاپ گردید؛ نیز به منظور یادآوری دانشجویان دکتری گذشته و همکاران و اساتید رشته علوم قرآن و حدیث و دانشجویان کارشناسی ارشد و متخصصان تفسیر قرآن مجید، برگردان آن مقاله و کتاب نیز در قالب اثری جداگانه، تقدیم عزیزان می شود تا از یک سو این مجموعه کامل شود و در کنار کتاب نقدنامه و دسترسی به متن مقاله در قالب کتاب و شیوه نقد علمی و گردآوری مطالبی درخور توجه در خصوص تفسیر قرآن مجید و تاریخ آن فراهم شده باشد و از سویی امکان شناخت مطالب نویسنده به زبان فارسی، فراهم آید.

اما امین خولی، مؤلف مقاله و کتاب، ادیب و قرآن پژوه نواندیش مصری معاصر است که در ۱۳۱۳ق / ۱۸۹۵ در مصر زاده شده است. وی تحصیلات مقدماتی و حفظ قرآن و متون تجویدی، نحوی، کلامی و فقهی را در قاهره گذراند؛ به نمایشنامه نویسی و مطالعات تاریخی نیز روی آورد؛ نیز به فعالیت های

سیاسی و روزنامه‌نگاری پرداخت. چهار سال (از ۱۳۰۲ش) سرکنسول مصر در امور مذهبی شهرهای رم و برلین بود. در این مدت با زبان‌های ایتالیایی و آلمانی و با پژوهش‌های مستشرقان درباره اسلام آشنا شد. پس از بازگشت به مصر، به تدریس و همکاری با دانشگاه الأزهر و دانشگاه قاهره پرداخت. در ۱۳۳۳ش / ۱۹۵۴م، با چند تنی از استادان دانشگاه‌های مصر، در جریان پاک‌سازی فرهنگی، از دانشگاه کنار گذاشته شد. وی عضو فرهنگستان زبان و ادب مصر «مجمع اللغة العربیة» بود و بخش چهارم از حرف صاد تا فاء فرهنگ واژگان قرآن به نام معجم ألفاظ القرآن الکریم (که توسط اینجانب توفیق برگردان و نشر آن فرهنگ حاصل شده است) را تدوین کرد. دلیل شهرت خولی، ابداع ساز و کاری تازه در تفسیر قرآن، بر پایه توجه به جنبه‌های ادبی قرآن بود که به «مکتب تفسیر ادبی» شناخته شده است. گرچه خود خولی، اثری کامل و مستقل در تفسیر نوشت ولی آثار او در تاریخ و روش‌های تفسیر در جهان اسلام معاصر و خصوصاً در مصر تأثیر بسیار گذاشت. مجموعه مقالات او، در باب نحو، تفسیر و بلاغت در کتاب «مناهج تجدید فی النحو و

البلاغه و التفسیر و الأدب» در قاهره، ۱۹۵۱م به چاپ رسیده است. دو مقاله «تفسیر» و «بلاغت» وی، شهرت بسیار دارد که او هر دو را نخست در دائرةالمعارف الإسلامیة، ترجمه عربی چاپ اول دائرةالمعارف اسلام لیدن، ج ۵ / ۳۴۸-۳۷۴ منتشر ساخت که پس از آن، به صورت کتابی مستقل با عنوان «التفسیر: معالم حیاته، منهجه الیوم» در قاهره، ۱۹۴۹ و با نام «التفسیر: نشأته، تدرُّجُه، تطوره» در بیروت، ۱۹۸۲ به چاپ رسید.^۱ نوشتار پیش رو، برگردان همین مقاله یا کتاب خولی است. وی در اسفند ۱۳۴۴ش (مقارن با سالروز تولد اینجانب، ۱۳۴۴/۱۲/۱) در گذشته است.

امید است خداوند، ما را در راه انجام آنچه که دوست دارد و او را خشنود می‌کند، موفق بدارد.

ابراهیم اقبال

تهران، فروردین ۱۴۰۰

۱. جهت اطلاع بیشتر، بنگرید: دانشنامه جهان اسلام، مقاله خولی.

الف: تفسیر

دو ماده «ف س ر» و «س ف ر» در معنی کشف به هم می‌رسند و با یکدیگر اشتراک دارند؛ با تأمل بیشتر در می‌یابیم که «سفر» کشف مادی و ظاهری و «فسر» کشف معنوی و باطنی است. مصدر از آن (فسر): «تفسیر» به معنی کشف و بیان معنی است.

نزد پیشینیان، لغت و تفسیر و حدیث و علوم همانند آن، به معنای معروف در علوم عقلی نبوده‌اند. به همین دلیل بعضی از آنان، برای تفسیر حد و مرز و موضوع و محتوایی در نظر نگرفته‌اند؛ زیرا تفسیر برخلاف علوم عقلی، اصول و قواعد و ملکات برآمده از تمرین قواعد نیست. بر همین اساس، در توضیح تفسیر به این بسنده کرده‌اند که تفسیر، بیان کلام خداست یا بیانگر الفاظ و مفاهیم قرآن است.^۱ گرچه برخی زحمت تعریف آن را (تفسیر) را به خود داده‌اند و آن را در برگیرنده علمی دانسته‌اند که شامل آن‌ها نمی‌شود مانند قراءات یا لغت، صرف،

۱. المبادئ النصريّة، چاپ خيريّة، ۱۳۲۰ق، س ۲۵، ۲۶.

نحو و بیان و... که در فهم قرآن مورد حاجت است. شیوه اول، از آن رو که پیامد بزرگی در پی ندارد درست‌تر به نظر می‌آید.

پس تفسیر یکی از علوم و دانش‌های دینی است که پیشینیان بر حسب عادتشان به اعتباری سعی بر حفظ آن داشته‌اند و گفته‌اند: تفسیر یا برای بیان لفظ قرآن تدوین گردیده که آن علم قرائت است یا برای بیان لفظی و اسنادی سنت پیامبر ﷺ گرد آمده است که آن علم الحدیث یا علم اصول الحدیث است و یا برای اظهار مقصود و مفهوم قرآن تدوین شده که آن تفسیر است. تا آخر آنچه که این اعتبار قانون‌مند را برای انواع علوم شرعی تسری می‌دهند.

در چنین حال و هوایی، واژه «تأویل» را متذکر گردیده‌اند و گفته‌اند: تأویل و تفسیر به یک معنی هستند یا تفسیر اعم از تأویل است و مواردی دیگر که ما سخن را در آن به درازا نمی‌کشیم... گمان می‌کنم ریشه همه این‌ها، به کار رفتن کلمه «تأویل» در قرآن است. در پی آن اصولی‌ها، اصطلاحی خاص ساخته‌اند، گرچه این واژه بر سر زبان متکلمین (گفتارمداران و مذهب‌مداران) بوده است... شاید بهترین گفتاری که معنی تأویل را بیان می‌کند،

ب: پیدایش تفسیر* ۱۳

تعریفی است که راغب اصفهانی به نقل از ابن عباس، در رساله اش «مقدمه التفسیر» بیان داشته است (این رساله راغب در ضمیمه کتاب «تنزیه القرآن عن المطاعن» چاپ شده است و ابن تیمیه در رساله «الإکلیل فی المتشابه و التأویل» گفتار مختصر راغب را شرح و تفصیل داده است) گرچه من (در کلام ابن عباس) آنچه را که راغب در معنای تأویل آورده است، نیافتم اما آن تعریف اصل و خلاصه نظر اوست.

ب: پیدایش تفسیر

ابن خلدون در «مقدمه» خود، در آغاز گفتار از تفسیر می‌گوید: «قرآن به زبان و اسلوب‌های بلاغی عرب نازل گردید، از آن رو همه اعراب آن را می‌فهمیدند و معنی مفردات و جملات آن را می‌دانستند». این گفته ابن خلدون که همه اعراب آن را می‌فهمیدند، سخنی بسیار فراگیر است و حتی خود پیشینیان (و افراد قبل از ابن خلدون) به درستی آن نرفته‌اند؛ مثلاً ابن قتیبه - که چند قرن قبل از او می‌زیسته است - در رساله «المسائل و الأجوبه»، می‌گوید: «عرب در شناخت غریب و متشابه قرآن

یکسان نیستند و برخی بر برخی دیگر برتری دارند»^۱. گمان می‌کنم ابن‌خلدون، در چند سطر بعد از مطلب فوق، متوجه امر (و اشتباه خود) شده و آورده است: «در قرآن، مطالبی است که بیان و توضیح لازم دارد و پیامبر ﷺ مجمل قرآن را تبیین می‌فرمود و ناسخ را از منسوخ جدا می‌کرد و به اصحاب خود یاد می‌داد و آنان یاد گرفتند و سبب و شأن نزول آیات را به نقل از حضرتش ﷺ دانستند»^۲. این امور و دیگر موارد نیازمند بیان و توضیح، احتیاج به تفسیر و تبیین قرآن را از آغاز دوره اسلامی سبب گردید.

چه بسا تقوای دینی در دوره اولیه، سطح عقلی، اندک بودن نیازهای روزمره و گذشته از این‌ها، این برداشت و احساس که تفسیر شهادت و گواهی است بر خداوند که منظور او از لفظ، آن می‌باشد؛ همه این امور، آنان را بر آن داشت که در تفسیر قرآن، فقط آن علم و آگاهی که به آنان رسیده است یا از صاحب رسالت (حضرت محمد ﷺ) نقل شده است را بیان دارند؛ لذا

۱. ابن قتیبه، المسائل والأجوبه، ص ۸.

۲. همان.

ب: پیدایش تفسیر* ۱۵

تفسیر روایی یا اثری اولین تفسیری بود که به منصفه ظهور رسید و مردان حدیث و روایت، متصدیان آغازین آن بوده‌اند. از همین رو، نگارندگان پیدایش علوم - که هر علم را به اولین شخص آن منسوب می‌دانند - می‌بینیم که مالک بن انس اصبیحی را، بنیان‌گذار و واضع تفسیر به معنی گردآورنده و نه مدون آن برشمرده‌اند. بدین‌سان، پیدایش تفسیر به تاریخ تدوین حدیث، گره می‌خورد. به عنوان نمونه، مالک بن انس که از قدمای تدوین حدیث است - گرچه کتابش «موطأ» [بر اساس مشاهده من] تفسیر زیادی در بر ندارد - به هر حال جوامع حدیثی، مقداری روایات تفسیری دارد؛ مثلاً در صحیح بخاری، دو کتاب یکی «تفسیر قرآن» و دیگری «فضائل القرآن» می‌یابیم که دو بخش برجسته و شاید حدود یک هشتم کتاب صحیح باشد. شاید این جنبه از ارتباط تفسیر با حدیث است که استاد کارادی فو نویسنده ماده تفسیر در «دائرة المعارف الاسلامیه» این سخن خود را از آن در می‌یابد «تفسیر رشته‌ای خاص و مهم از علم الحدیث است که در مدارس و دانشگاه‌ها آموزش داده می‌شود»... اگر چنین نبود آن مطلب در جایگاه تفسیر بین علوم دینی درست نمی‌نمود. این نکته را ما